

افغانستان در فغان شیعیان هزاره



بسمه تعالی

افغانستان در فغان شیعیان هزاره

علی مقدس

حوادث خونین پرتکرار علیه اقوام در افغانستان نشان می دهد که طالبان برخلاف تعهد حاکمیتی در جهت تأمین امنیت مردم، ناکام مانده است. بی تردید هیچ تبار و قومی در افغانستان در برابر عملیات های تروریستی در امان نبوده و نیست، اما این سوال مطرح است چرا اکثر قربانیان در حملات انتحاری و غیر انتحاری، به شیعیان هزاره اختصاص دارد؟!

چرا در اوضاع بحرانی افغان ها تحت حاکمیت طالبان، که تامین یک قرص نان برای گذران روزانه زندگی، از اساسی ترین دغدغه روزمره هزاره به شمار می رفت، جای خود را به ترس و اضطراب ناشی از عملیات

شواهد نشان می دهد کشتار شیعیان هزاره، معلول سناریوی حساب شده و مدون سازمان هایی همچون: آی اس آی است که در ادامه به برخی زوایای آن اشاره می شود؛

الف. ژئوپلیتیک و جغرافیای هزاره

آرزوی دیرین افراط گران و نفوذی های تکفیری در بدنه طالبان، دست یابی به دهلیزی است که بتواند با کمترین مسافت و هزینه، مسیر جنوب به شمال را برای آن ها ایجاد کند. ژئوپلیتیک هزاره در موقعیتی قرار دارد که در بخش هایی از ولایات غور، غزنی و دایکندی می تواند کریدور جنوب به شمال و یا برعکس را در کوتاهترین مسافت برای افراط گران تأمین کند. تلاش مداوم افراط گران طالبان با حمله بر مناطق جاغوری، قره باغ، مالستان، لعل، سرچنگل و ... در راستای بازکردن و تأمین کریدور نامبرده بوده است که با توجه به شناخت هزاره نسبت به تبعات ایجاد دهلیز از سوی افراط گران، با مقاومت تمام، این اجازه را به آنان نداد.

به نظر می رسد بخشی از اهداف حملات انتحاری افراط گران در غرب کابل و دیگر اماکن، در جهت عملیات روانی و تضعیف روحیه شیعیان هزاره با هدف عقب نشینی آنان در مناطق غزنی و غور برای به دست آوردن کریدور جنوب به شمال باشد.

ب. تحریک هزاره برای ورود به جنگ مذهبی

اسناد به دست آمده از آی اس آی و روند جنایات علیه شیعیان هزاره نشان می دهد؛ سربریدن غیرنظامیان شیعی زابل و انفجارهای مکتب سید الشهداء و مکتب عبدالرحیم شهید در غرب کابل که صد ها شهید و زخمی در پی داشت، بیانگر تحریک هزاره شیعه، برای ورود به میدان مبارزه هست که یک سوی اردوگاه، شیعیان هزاره و سوی دیگر اردوگاه افراطیان سنی قرار دارد تا بتوانند یک جنگ مذهبی تمام عیار را تدارک ببینند.

افراط گران موجود در بدنه طالبان به دنبال آن هستند تا به شیعیان هزاره القاء کنند که حکومت نه

تنها قادر به حفاظت از شیعیان نیست بلکه ارادۀ صیانت از شهروندان شیعه را ندارد، از این رو باید سلاح بردارید و به دنبال تأمین امنیت خود باشید!

ج. تخریب رهبران سیاسی شیعه

هدف دیگر افراط گران از این حملات، تضعیف چهره رهبران سیاسی شیعه در افغانستان است. کنترل احساسات و تعصب مذهبی هزاره که بخش قابل توجه آن از سوی شهروندان هزاره به خاطر تشخیص و تحلیل درست از مسائل، احصاء می شود، بخش دیگر آن مرهون مدیریت و اقدام به هنگام رهبران سیاسی شیعه در نوع واکنش به وقایع است. افراط گران که مجری سیاست های آی اس آی هستند به دنبال آن اند تا وانمود کنند که رهبران سیاسی شیعه، نه تنها بی توجه به قلع و قمع کودکان و زنان اند بلکه به دنبال منافع فردی و دنیا طلبی خود، غرق در معامله و تعامل با سران طالبان اند. اما شیعیان فهم هزاره نشان داده اند که همیشه گوش به فرمان رهبران سیاسی خود هستند و از هرگونه اقدام فردی و عجولانه به دورند.

د. محروم سازی شیعیان هزاره از حقوق آموزشی فرهنگی

هدف دیگر از حملات تروریستی پی در پی در مناطق شیعه نشین، محروم ساختن شیعیان از حق آموزش است. شیعیان هزاره از دیر زمان در بین افغان ها به شهروندان توأم با فرهنگ و علم شناخته می شوند. تحصیلات عالیه و تخصص یابی ایشان، حکومت را مجبور می کند به خاطر فرار متخصصان و پناهندگی به دیگر کشورها، دست نیاز به سوی آن ها دراز کند.

اما به سبب سیاست های غلط طالبان ما نند؛ تصفیه قومی کارمندان دولت، در پست ها و مشاغل نیاز به تخصص، طالبان را با یک پارادوکس مواجه کرده است. زیرا از یک سو طالبان به حضور غیر پشتون ها در مشاغل تخصصی و کارمندی معتقد نیست اما از سوی دیگر برای اداره دولت، نیازمند بکارگیری متخصصان است. بررسی ها نشان می دهد که جوانان هزاره شیعه از باسواد ترین و متخصص ترین افراد به شمار می روند که به لحاظ استعداد و پشتکار مقام نخست را به خود اختصاص داده اند.